

بقلم آقای جناب زاده

مدیر نه‌ای آسمانی

بجای علم و صنعت از اروپا برای ما کف‌بینی و فال قهوه میدهند

الحمد لله الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنین والحساب
ما خلق الله الا بالحق

میانی تمدن روی اعداد و بر اساس علوم ریاضی استوار است، نخست انسان صحرا -
نشین که فارغ از خانه و کاخ و آزاد از ماجراهای زندگی‌گانی امروز و دیروز بود روز و شب در
زیر همان کاخ به مطالعه و سیر در عالم طبیعت صرف وقت می‌کرد و در طلوع و غروب مهر و ماه
و تغییر منازل کواکب ثابت و سیار را در نظر می‌آورد و کم‌کم گذشت زمان و آمد و رفت شب
و صبح او را به تفکر و تدقیق وادار می‌کرد تا آنکه ایام را به هفته و ماه و سال و قرن از حرکت
وضعی و انتقالی خورشید با گردش قمر را بدور زمین تقسیم بندی کرد مطالعات او توسعه یافت
علوم ریاضی و هندسه پدید آمد

فلسفه و حکمت نیز تقابل از چهره علوم برداشت تا بدانجا رسید که امروز بی‌بندی همه
علوم را بر اساس اعداد قرار داده نه تنها ریاضیات بلکه همه دانش‌ها روی میزان عدد حرکت می
کند و رو به ترقی و تکامل می‌رود بعضی چنین تصور می‌کنند که طلسمات فورمولهائی برای
علوم مختلفه بوده و مفتاح و رمز دانش بوده است و در نتیجه پیش آمد حوادث و پیدایش جنک
های مخرب و از میان رفتن دانشمندان و سوختن کتابخانه های عظیم اسکندریه و ایران
موازین فهم حروف و اعداد مندرج در ظلمات فراموش شده است ولی در هر حال فرهنگ معاصر
در تمام رشته های علوم و صنایع و حتی موسیقی و روان شناسی نیازمند اعداد است

وقتی علم و دانش و معانی فراموش شد! باطیله و خرافات جای آن‌ها را می‌گیرد که
یکی از آنها همین مسئله سعد و نحس کواکب و تأثیر آنان در تکوین مقدرات و سر نوشت

آدمیان است البته کواکب و اجرام سماوی از نظر تابش اشعه مغناطیسی در اتمسفر زمین در اوضاع طبیعی و جغرافیائی کوره ارض بی اثر نیستند و اشعه‌های نامرئی و مجهول در موجودات اثر روحی و فیزیولوژی دارند ولی اینکه سیر و حرکت کواکب سرنوشت خوبی و بدی برای افراد دارند و یکی را امیر و دیگری را فقیر می‌سازند نا روا و بیهوده است و سعادت مشتری مثل نحوست زحل است زیرا - المقدر کائن به محو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب

تردیدی نباید داشت که خرافات محصول دوره جاهلیت و میراث اقوام کلدیه و آشور و فنیقیه و بابل است که در ادوار ظلمانی جمعی شعبده باز و کاهن بنام منجم و ستاره شناس روی عقول جامعه انسانی سرپوش گذارده بودند و حکومت معنوی و فرمانروائی را خاص خود ساخته و خوردن و خفتن شاهان و امراء و رعایا را در اختیار خود گرفته بودند ولی در عین حال خودشان در رهائی از پیش آمدها بی چاره میشدند - سعدی میگوید

منجم که از خود ندارد خبر چه داند ز تاثیر شمس و قمر
منجمی زن خود را در آغوش جوانی دید آشفته حال شد و داد و فریاد بر آورد
ظریفی باو رسید و گفت

تو بر اوج فلک چه دانی چیست که ندانی که در سرای تو کیست !!

در دوره جاهلیت گفته‌های ستاره شناسان را منشاء اثر میدانستند و اغلب شاهان و درباریان و طبقات دیگر بویژه اصناف عوام باظہارات منجمان اعتقاد کاملی داشتند و بدستور آنان در برنامه زندگانی رفتار میکردند لیکن در همان احوال روشن فکرائی بودند که گفتار ستاره شناسان را مردود میدانستند چنانکه فردوسی فرموده

زبان ستاره شمر چه ساک باد دهانش بر از خار و خاشاک باد
چه داند کسی غیر پروردگار که فردا چه بازی کند روزگار

در عهد نور و الکتریک و پیشرفت علوم طبیعی هم دکان این افسونگران تخته نشده بلکه باید گفت میراث اقوام قدیمه و سعت و قوت یافته و امروز در کشورهای متمدنه غیب گوینان و کف بینان با اسلوب و وضع جدیدی ظهور کرده اند که احیاناً عقاید و پیش بینی های دروغ آنان را در صفحات روزنامه های مهم دنیا میخوانیم و کسانی را می بینیم که خود را در سلك دانشمندان و ارباب معرفت جای زده بنام روانشناسی اکاذیبی را هم بهم بافته بویژه جوانان و دوشیزه کان را

از انحراف سیر علوم در اباطیل کمراه کرده و فال قهوه را سند صحیح مقدرات و گذشته و آینده اشخاص دانسته افسونگری و شعبده بازی را برنك روز و در خور قبول عوام بافکار امروز در آورده اند.

خداوند عزوجل در قرآن کریم در این آیه مبارکه میفرماید بل کذبوا بهالم یحیطوا بعلمه و در آیه دیگر و اذ لم تهتد و ایه فسیقولون هذا افک قدیم حضرت امیرالمؤمنین (ع) میفرماید لا طبر الا طبرک و مفهوم بیان امام علیه السلام این است که اگر ضرری از نجوم میرسد برای تطیر آن است.

حضرت رسول (ص) تغال را دشمن میداشتند و تطیر رازجر و ضلالت و در دوره جاهلیت باندازه ای مرد و زن اسیر خرافات بودند که از پریدن کنجشک و صدای کلاغ و رفتن آهوی از چپ و راست و مانند آن فال بد یا خوب میزدند.

معروف است که فتحعلی شاه قاجار در آخرین سفر خود که از تهران بخارج رفت و بر نکشت مجلس عیش و نوشی چنانچه عادت همیشگی او بود برپای کرد یکی از زنان مغنیه بخيال خوشگامی این شعر را خواند.

تو سفر کردی و خوبان همه کیس و کنند از فراق تو عجب ساسله ها برهم خورد
ناگاه خاقان مغفور آشفته حال شد و به خواننده بانك زد خدادهان تورا بشکند این چه فالی بود
زدی و من از این سفر بر نخواهم گشت و چنین شد.

سید مرتضی اعلی الله مقامه در دروغ غرض میفرماید بهترین ادله بر بطلان احکام اصحاب تنجم این است که برای ما آشکار و هویدا است که اخبار مغیبات یکی از معجزات و خوارق عادات انبیا علیهم السلام است مثل احیاء اموات و علاج اکمه و ابرص و اگر علم بمغیبات را طریق نجومی بود نیابستی او را از معجزات شمرده بلکه مثل سایر احکام منجمین گمان کرد و این خلاف ضرورت اسلام است - حدیث است که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود.

من اتی کاذبا او کاهنا او عرافا او منجماً فصدقه فقد کفر بما انزل علی محمد (ص).

و باز حدیث دیگری مروی است که فرمود.

انی اخاف علی امتی بعدی ثلاثا حیث الائمة و الایمان بالنجوم و تکذیب القدر.

در کافی از حضرت ابو عبدالله علیه السلام روایت کرده که فرمود در میان من و مردم منجمی

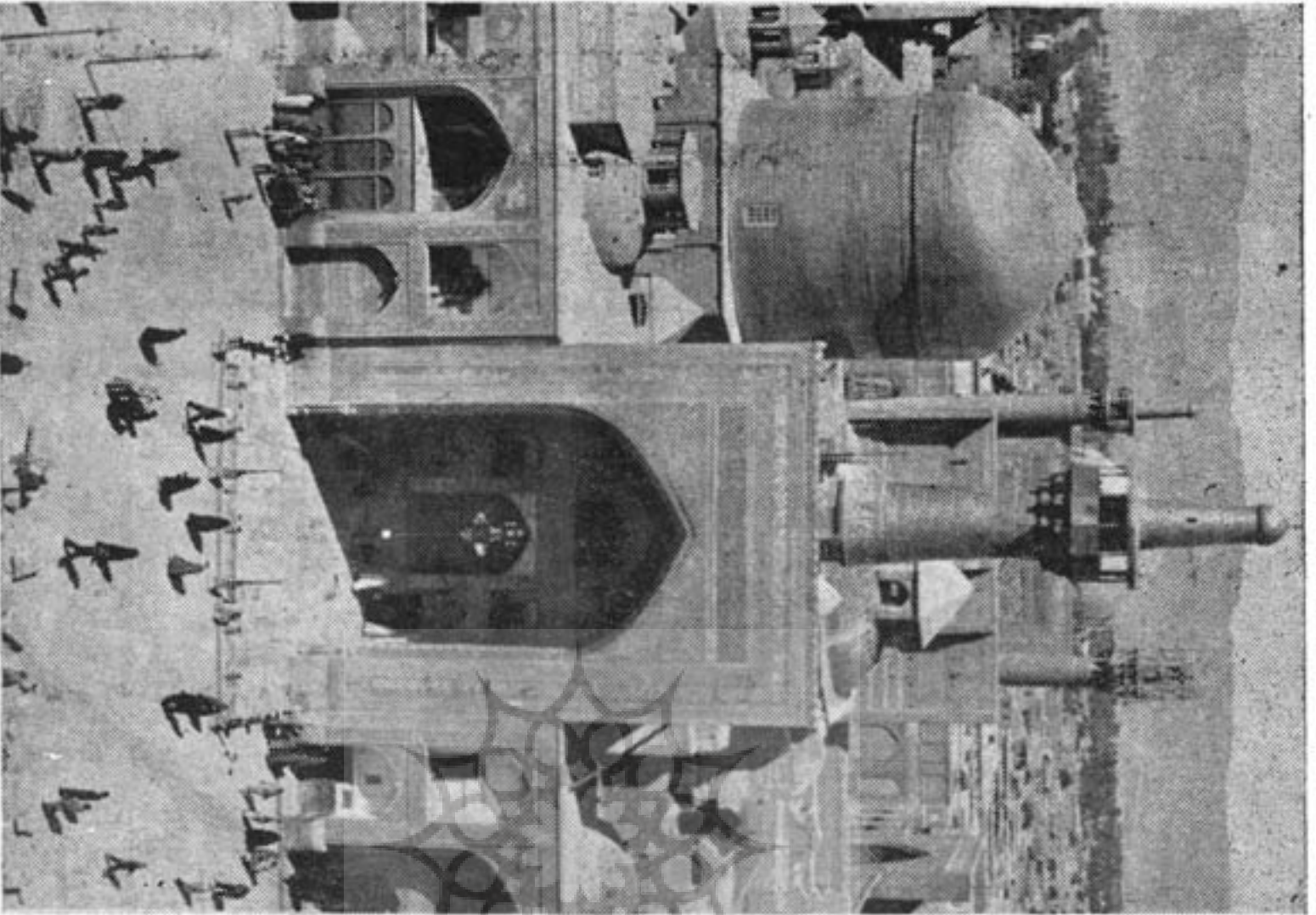
زمین مشترک بود که باید او را تقسیم کنیم و آن منجم ساعت سعدی بخروج خود و ساعت نحسی

برای خروج من معین نمود و هر دو بآن دو وقت بیرون رفته چون زمین را تقسیم کردیم بهترین قسمت ها نصیب من شد پس منجم دست راست را بر چپ کوفته گفت من منجم ماهرم و ساعت سعد را برای خروج بخود و نحس را برای خروج شما مشخص کردم چون شد که بهترین قسمت ها نصیب شما شد آنحضرت فرمود من ترا حدیثی بگویم که رسول خدا (ص) فرمود کسی که دوست داشته باشد که دفع کند خدا بتعالی نحوست آنروز را اول روز صدقه دهد و اگر خواهد نحوست شب دفع شود اول شب صدقه دهد و من در هنگام خروج صدقه دادم و احتیاجی باموختن علم نجوم تو ندارم .

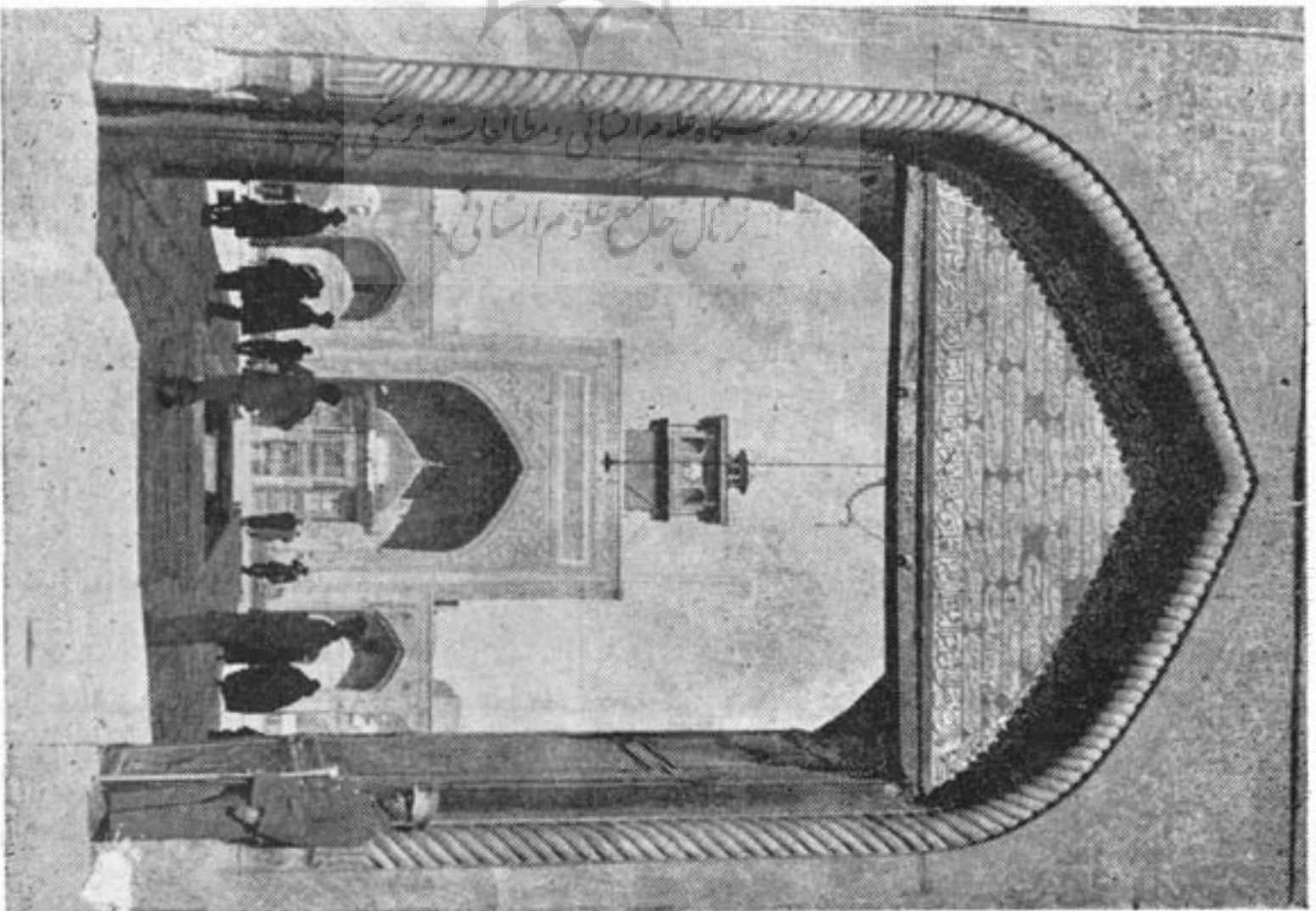
سلطان محمود غزنوی در موقعیکه میخواست بچنگ خوارزم برود منجمان او را از این قصد بر حذر کردند و ساعت حرکت را نحس شمردند سلطان توجهی به نحوست کواکب نکرد و حرکت کرد و پیروز شد حکیم عنصری در این موضوع سروده :

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار
چنین نماند ز شمشیر خسروان آثار
به تیغ شاه نکر نامه گذشته بخوان
که راست کوی تراز نامه تیغ او بسیار
نه رهنمای بکار آیدش نه اختر گیر
نه فال کوی بکار آیدش نه فال گذار
سید مرتضی در دروغر هیفر ماید یکی از وزیران بمن گفت تو اقتدر منکر نجومی که در وقت سفر تعیین ساعت نمیکنی گفتم در خانه ما تقویمی یافت نمیشود و ندیده ام از فلک مکر خیر و خوبی حاصل سخن آنکه منجمان و غیب گویند و رهالان و کف بینان از میزان جهل و زبونی و خوش باوری مردم استفاده میکنند .

اسلام دکان این طبقه را پخته کرد ولی از راه اروپا فال قهوه و صدها خرافات دیگر که در خاور زمین پوسیده و در شرف زوال است باز آهنگ تازه ساز کرده و خدا عاقبت همه مارا بخیر گرداند زیرا چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا



ماذا ضمنت من الخيرات يا طوس



روى سواد عظام اساني ومطالعات مرسى
برمال جلع علوم اساني

يا قبر طوس سقاك الله رحمة